

روابط ایران و لیبی؛ فرصت‌ها و محدودیت‌ها^۱

ابراهیم یوسف‌نژاد

چکیده

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند گسترش همکاری‌های سیاسی ایران و لیبی سیری صعودی یافت. دیدگاه‌های ضد امپریالیستی دو کشور و مبارزه با سلطه ایالات متحده بر نظام بین‌الملل مؤلفه‌های اصلی گسترش روابط دو کشور بود.

حمایت‌های لیبی از ایران به ویژه در مقاطع حساسی همچون جنگ عراق با ایران، تعیین‌کننده و استراتژیک محسوب می‌شود. اما با وجود دیدگاه مثبت رهبران لیبی نسبت به ایران و پتانسیل مناسب سرمایه‌گذاری‌های کلان در این کشور برای شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران، طرح برخی از مسائل سیاسی به ویژه در دهه ۱۳۷۰ مانع از ارتقای سطح همکاری‌های اقتصادی دو کشور شده است.

لیبایی‌ها در روابط خود با ایران، اهداف سیاسی را در اولویت قرار داده‌اند اما به نظر می‌رسد طرف ایرانی در تعیین سطح روابط با لیبی باید به ظرفیت‌ها و زمینه‌های گسترده

۱. این مقاله براساس گزارش کارشناسی آقای ابراهیم یوسف‌نژاد در دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس تنظیم شده که پیش از این مستقلاً با شماره ۶۳۸۰ در اسفند ۱۳۸۰ انتشار یافته است.

همکاری اقتصادی بین دو کشور، برخورداری لیبی از منابع عظیم ثروت، بازار مناسب برای صادرات و سرمایه گذاری کلان و ... توجه داشته باشد.

مقدمه

قرار گرفتن کشور لیبی در شمال افریقا و دریای مدیترانه و نیز برخورداری آن از منابع عظیم هیدروکربن، ویژگی بارزی به آن بخشیده است. پیوند این ویژگی‌ها با دیگر عوامل اقتصادی و سیاسی می‌تواند اولویت و ضرورت بسط روابط جمهوری اسلامی ایران با این کشور افریقایی - عربی را توجیه کند. همچنین تجربه ۲۴ سال روابط دو کشور در سال‌های پس از انقلاب اسلامی می‌تواند به کشورمان در دستیابی به یک سیاست منطقی مدد رساند. کافی است اولویت‌ها را شناسایی و به معضلات و مشکلات موجود از منظر منافع ملی بنگریم. بی‌تردید لیبی توان لازم را برای گسترش روابط در زمینه‌های اقتصادی، علمی، صنعتی و سیاسی با ایران داراست. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به این ظرفیت‌ها می‌تواند روابط درازمدت و قاعده‌مندی را با لیبی تنظیم کند و به مورد اجرا گذارد.

مقاله حاضر در صدد شناسایی علل رکود مناسبات اقتصادی ایران و لیبی، با وجود بستر مناسب برای ارتقای سطح همکاری‌ها در دهه اخیر است. آیا عوامل تضعیف کننده و موانع موجود از اهمیت استراتژیکی برخوردارند یا این که در زمره عناصر درجه دوم قرار دارند؟ پاسخ این پرسش را از نظر منافع ملی مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱. اهمیت لیبی در سیاست خارجی ایران

در مورد دلایل اهمیت لیبی در سیاست خارجی ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی ایران پیش از دیگر کشورها؛
۲. حمایت از انقلاب ایران و مواضع سیاسی کشورمان؛
۳. موقعیت جغرافیایی و نفوذ این کشور در میان کشورهای افریقایی و عربی؛
۴. برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز؛

۵. داشتن بازار مناسب برای تولیدات ایران؛
۶. دارا بودن زمین‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری؛
۷. عضویت در اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی، آپک^۱، سازمان وحدت افریقا و بانک عرب برای توسعه اقتصادی افریقا؛
۸. موضع‌گیری مثبت و حمایت از ایران در مقابل تجاوز عراق؛
۹. سکوت این کشور پس از انقلاب در قبال ادعاهای امارات نسبت به جزایر سه گانه؛
۱۰. حمایت از اشغال سفارت امریکا در تهران؛
۱۱. اعطای کمک‌های تسلیحاتی به ایران در زمان جنگ با عراق (به ویژه در اختیار نهادن موشک اسکاد)^۲

۲. انقلاب لیبی و دیدگاه‌های قذافی

در سپتامبر ۱۹۶۹ گروهی از افسران ارتش لیبی به رهبری سرهنگ «معمر قذافی» با کودتایی «ادریس اول» را از حکومت خلع کردند. بلافاصله شورای انقلاب تشکیل شد و نظام سیاسی این کشور به جمهوری سوسیالیستی تغییر یافت. قذافی از ابتدا برخلاف روش حکومت قبلی اعلام کرد همه امکانات کشور در اختیار مبارزان فلسطینی قرار خواهد گرفت و در داخل، مبارزه وسیعی را برای مقابله با فرهنگ غربی آغاز کرد. وی در سال ۱۹۷۰ پایگاه‌های نظامی انگلستان و امریکا را برچید و این کشور را از نیروهای خارجی پاکسازی کرد.^۳

در آن سال‌ها مهم‌ترین اصول سیاست خارجی لیبی را وحدت عربی (پان عربیسم)، مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم، کمک به جنبش‌های آزادیبخش، عدم تعهد، وحدت اسلامی و حمایت از مسلمانان جهان تشکیل می‌داد. این اهداف بیش‌تر نمایانگر نیازهای لیبی و افکار آرمانگرایانه قذافی بود.

1. AOPEC

2. Anthony H. Cordesman, *IRAN'S Military Forces in Transition*, London: Library of Congress Cataloging in Publication, 1999, p. 233.

۳. ذوالفقار امیرشاهی، کتاب سبز لیبی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷، ص ۹۲.

لیبی به دلیل مخالفت با اسرائیل، در جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل شرکت کرد و پس از آن با هر رژیمی که به هر طریق به سوی جریان سازش کشیده شد - به ویژه مصر - مخالفت ورزید و یک روز را در سال به نام «فلسطین» نامید. همچنین قذافی تشکیل دولت فلسطین را هدف اصلی خود قرار داد.^۱ از آغاز دهه ۱۹۹۰ به واسطه موضع جدید «ساف» در قبال مسأله فلسطین و پذیرش گفتگو با اسرائیل، روابط لیبی با ساف رو به تیرگی گذاشت. در همین راستا لیبی در واکنش به برگزاری اجلاس سران کشورهای اسلامی در دوحه رسماً اعلام کرد در صورتی که قطر نمایندگی تجاری اسرائیل را تعطیل نکند از شرکت در اجلاس مزبور خودداری خواهد کرد.

در حال حاضر لیبی برای مبارزه با انزوایی که دولت‌های غربی، بر آن کشور تحمیل کرده‌اند گفتگوهایی را با مقامات مصری و فلسطینی، به ویژه شخص عرفات آغاز کرده است. قذافی اگر چه همچنان رسماً از تشکیل دولت مستقل فلسطین حمایت می‌کند، اما آنچه اخیراً باعث شگفتی مجامع غربی و اسلامی شد، پیشنهاد وی در اجلاس اتحادیه عرب بود که براساس آن در صورت رعایت حقوق فلسطینیان از سوی اسرائیل، لیبی از آن کشور خواهد خواست تا به اتحادیه عرب ملحق شود.^۲

در بعد ایدئولوژیک، قذافی خود را متحد کننده امت عرب می‌داند. در واقع او بر پان‌عریسم و نه اسلامی بودن تأکید دارد. در مورد دخالت شوروی سابق در افغانستان، قذافی واکنشی از خود نشان نداد و همین امر موجب تضعیف مواضع وی در میان کشورهای عربی و اسلامی شد.

الگوی مشارکت سیاسی مردم در نظام سیاسی لیبی، برخاسته از اندیشه‌های قذافی است که از طریق کمیته‌ها و کنگره‌های مردمی محقق می‌شود. از این منظر، قذافی به عنوان یک مردمگرا در پی برقراری رابطه شخصی با مردم، آن هم بدون نقش میانجی‌گرانه احزاب

۱. همان، ص ۷۳.

۲. ارزیابی سیاست آفریقایی اسرائیل، تهران: مؤسسه مطالعاتی و پژوهشی کاراسبز، بی‌تا، ص ۱۵.

سیاسی یا نهادهای مذهبی است. احزاب و گروه‌های سیاسی در این کشور اجازه فعالیت ندارند.

۳. روابط ایران و لیبی قبل از انقلاب

روابط سیاسی ایران و لیبی برای نخستین بار در دی ماه ۱۳۴۶ در سطح سفارت برقرار شد. این روابط حتی پس از روی کار آمدن قذافی نیز ادامه یافت. در سال ۱۳۴۷ سفیر ایران در تونس به عنوان سفیر اکرودیده منصوب شد. در سال ۱۳۵۰ به دنبال الحاق جزایر سه‌گانه به قلمرو ارضی ایران، دولت لیبی مخالفت خود را با این امر اعلام کرد و بدین ترتیب، روابط دو کشور به سردی گرایید. لیبی در اقدامی هماهنگ با کشورهای الجزایر، یمن جنوبی (سابق) و عراق بر ضد ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد اقامه دعوا کرد. این عوامل باعث شد پس از اتمام دوره مأموریت سفیر اکرودیده ایران در آذر ۱۳۵۱، ایران دیگر نماینده جایگزینی معرفی نکند. از دی ماه ۱۳۵۱ دولت لیبی به مخالفت علنی با رژیم شاه و حمایت از گروه‌های ضد رژیم در ایران پرداخت و با اوج گرفتن مبارزات مردمی بر ضد شاه در سال ۱۳۵۶ مقامات لیبی به ویژه قذافی از انقلاب ایران حمایت کردند.

در مجموع، موضع‌گیری قذافی در قبال شاه، برخاسته از دیدگاه وی در مورد نزدیکی رابطه شاه با اسرائیل، مصر و آمریکا بود. وی هیچ‌گاه حاضر نشد برای نزدیکی دو کشور اقدامی به عمل آورد،^۱ بلکه برعکس، با حمایت از اشخاص و گروه‌های انقلابی خصوصاً خود را نسبت به شاه نشان می‌داد. حتی در قضیه ناپدید شدن امام موسی صدر، وزارت خارجه لیبی در ۲۸ فوریه ۱۹۷۸ طی نامه‌ای به مجلس اعلی شیعیان لبنان تأکید کرد که دستگاه‌های اطلاعاتی ایران، اسرائیل و آمریکا، موسی صدر را از ایتالیا ربوده‌اند.^۲

۱. امیرشاهی، پیشین، ص ۸۷.

۲. خیرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۷/۱۰.

وقتی خبر ناپدید شدن امام موسی صدر در رسانه‌های لبنان منتشر شد، یکی از جراید این کشور اعلام کرد که این واقعه بی‌ارتباط با تحولات سیاسی ایران نبوده است. بعدها مشخص شد که مدیر وقت خبرگزاری لیبی در بیروت این شایعه را پخش کرده بود. بازتاب گسترده این موضوع در میان مردم لبنان و کشورهای اسلامی، لیبی را وادار به انتشار بیانیه‌ای کرد که در آن آمده بود: با توجه به این که دولت لیبی دارای روابط عمیقی با امام موسی صدر است با همکاری همه جریان‌های اسلامی می‌کوشد تا از سرنوشت وی اطلاع حاصل کند. این در حالی بود که شیعیان لبنان در آن زمان اعلام کردند که چنین ادعایی کذب محض است و هیچ‌گونه ارتباطی میان امام موسی صدر و دولت لیبی وجود نداشته است.^۱

۴. فرصت‌ها

الف) سیاسی

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دولت لیبی حمایت خود را از انقلاب اعلام و آن را به رسمیت شناخت. قذافی برای اعلام حمایت خود از انقلاب هیأتی را به ایران فرستاد و طی مذاکره با دولت موقت، برقراری روابط سیاسی دوجانبه مورد تأکید قرار گرفت. در آبان ماه ۱۳۵۸ ملاقاتی بین فرستاده ویژه وزیر خارجه لیبی و وزیر خارجه دولت موقت صورت گرفت و طرفین موافقت کردند که روابط سیاسی بین دو کشور از سر گرفته شود. اولین سفیر لیبی در ایران به نام «سعد مجبر» در خرداد ۱۳۵۹ وارد تهران شد و متقابلاً ایران نیز در مهر ۱۳۵۹ سفارت خود را در طرابلس افتتاح کرد.^۲

مهم‌ترین مواضع مشترکی که دو کشور را در سال‌های پس از انقلاب به یکدیگر نزدیک کرده است عبارت است از:

- اتفاق نظر دو کشور در مقابله با سیاست‌های امریکا در جهان و مبارزه با اشغالگران

صهیونیست؛

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از مرکز مطالعات موسی صدر، ۱۳۸۰/۶/۱۰.

۲. امیرشاهی، پیشین، ص ۸۸.

- حمایت دو کشور از کشورهای انقلابی و مستقل، نیز جنبش‌های اسلامی و استقلال‌خواهانه مردم فلسطین برای دستیابی به حاکمیت و قلمرو از دست رفته خود؛
- دیدگاه واحد دو کشور در مورد قرارداد کمپ دیوید؛
- سکوت لیبی پس از انقلاب در مورد جزایر سه گانه. با توجه به دیدگاه پان‌عربی قذافی، اگرچه وی احتمالاً جزایر را در مالکیت امارات می‌داند اما بعد از انقلاب برای حفظ روابط با ایران موضع‌گیری منفی نداشته است؛
- حمایت لیبی از مواضع ایران در قبال جنگ که تا پایان جنگ نیز ادامه داشت. در حالی که اغلب کشورهای عربی از صدام حمایت می‌کردند، حمایت لیبی و به ویژه متجاوز شمردن صدام نقطه قوتی در روابط دو کشور محسوب می‌شود؛
- حمایت قذافی از ابتدای انقلاب، از جمهوری اسلامی و بنیانگذار آن در مقاطع مختلف.

ب) اقتصادی

اقتصاد لیبی

اقتصاد لیبی بر پایه درآمدهای نفتی بنا شده، به طوری که بیش‌ترین درآمد حاصل از صادرات این کشور از محل فروش نفت و گاز به دست می‌آید. غیر از نفت، مهم‌ترین اقلام صادراتی این کشور را فراورده‌های نفتی، گاز و سیمان تشکیل می‌دهد. به علاوه صنایعی چون نفت، پتروشیمی، آهن، لاستیک و شیشه در این کشور فعال هستند. لیبی همچنین ذخایر قابل توجهی از گاز، نفت، سنگ آهن، منگنز، سولفور، سنگ‌های ساختمانی، پتاسیم، منیزیم و گچ در اختیار دارد. کشورهای ایتالیا، آلمان، اسپانیا، ترکیه، فرانسه، یونان، انگلیس، سودان، هلند، تونس، ژاپن و بلژیک مهم‌ترین شرکای تجاری لیبی هستند. این کشور در زمینه تأمین ماشین‌آلات، وسایل حمل و نقل، مواد شیمیایی، مواد غذایی، آهن و

فولاد وابسته به خارج است. مهم ترین تولیدات بخش کشاورزی لیبی را جو، گندم، زیتون، مرکبات، انگور و تنباکو تشکیل می دهد.^۱

تولید ناخالص لیبی در سال ۱۹۹۸ حدود ۳۲ میلیارد دلار بود که تقریباً نیمی از این رقم از محل فروش نفت حاصل شده بود. لیبی از ۱/۴۰۰ میلیون بشکه نفت تولیدی خود در روز، حدود ۱/۲۵۰ میلیون بشکه آن را صادر می کند. با افزایش عایدات نفتی از سال ۱۹۹۷ درآمد سالانه این کشور به ۴۰/۶ میلیارد دلار رسید. در این سال لیبی بین کشورهای افریقای بالاترین درآمد سرانه را به خود اختصاص داد و در بین کشورهای مدیترانه بعد از اسرائیل با درآمد سرانه ۱۲۶۰۰ دلار مقام دوم را احراز کرد. با افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۹۹ درآمد لیبی ۲۲ درصد در مقایسه با سال ۱۹۹۸ افزایش یافت.^۲ از دیگر نشانه های بهبود اقتصاد لیبی، درآمد چشمگیر مالیاتی این کشور است. همچنین کاهش بدهی خارجی نسبت به درآمد ملی که فقط حدود ۱۰ درصد آن را تشکیل می دهد، از دیگر شاخص های روند روبه رشد اقتصاد این کشور است. حجم بدهی های خارجی لیبی که عمدتاً به روسیه و جمهوری های شوروی سابق بابت خرید اسلحه و تجهیزات نظامی است، پیوسته سیر نزولی داشته است. این کشور همچنین از معدود کشورهای جهان است که به صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، و هیچ یک از دیگر مؤسسات مالی بین المللی بدهی ندارد. با توجه به رشد ۲ تا ۳ درصدی اقتصاد لیبی، خطر جدی در آینده نزدیک اقتصاد این کشور را تهدید نمی کند. تنها مشکل اقتصاد این کشور مسأله بیکاری است که حدود ۲۰ درصد نیروی کار لیبی گرفتار آنند. به لحاظ رفاه اقتصادی رژیم لیبی بسیار موفق عمل کرده و در مجموع سطح زندگی مردم این کشور بسیار بالاست.^۳

۱. ارزیابی سیاست آفریقای اسرائیل، پیشین، ص ۱۵.

۲. اقتصاد لیبی ۳۰ سال پس از کودتای قذافی، روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۸۱/۷/۲۱.

۳. لیبی، امپراطوری سرمایه گذاری خارجی، ترجمان اقتصادی، شماره ۳۱، ۱۳۷۸/۹/۱۵.

روابط اقتصادی با ایران

پس از انقلاب، همکاری اقتصادی دو کشور با توجه به توسعه روابط سیاسی آنها گسترش یافته و ایران از تراز بازرگانی مثبتی در روابط خود با لیبی برخوردار بوده است. عمده اقلام صادراتی ایران به لیبی شامل تجهیزات برقی، وسایل نقلیه و لوازم یدکی، تراکتور، فرآورده‌های غذایی، پتو، فرش، آسانسور، مواد شوینده، لوازم خانگی، تجهیزات مخابراتی، لوازم ساختمانی، ماشین‌آلات صنعتی، لباس، لوستر، میوه، زعفران، خرما، لوازم پلاستیکی و غیره می‌شود. همچنین کالاهای زیر قابل صدور به این کشور هستند: روغن نباتی، رب گوجه فرنگی، سیب درختی، انواع شوینده‌ها، کنسرو، آب میوه و مصالح ساختمانی.^۱

سطح مناسبات اقتصادی ایران و لیبی از سال ۱۳۶۰ به موازات روابط سیاسی و افزایش دیدارهای مقامات دو کشور ارتقا یافته و قراردادهایی نیز در قالب اجلاس‌های کمیسیون مشترک در زمینه‌های حمل و نقل، هواشناسی، آموزش، فرهنگ، کشاورزی، مسکن و شهرسازی، سیمان و غیره منعقد شده است.^۲

روابط اقتصادی دو کشور در چارچوب اجلاس‌های مشترک پیگیری شده و تاکنون بدین منظور نه اجلاس مشترک برگزار گردیده است که آخرین مورد آن در هفته دوم بهمن ماه ۱۳۸۰ با امضای یادداشت تفاهمی پایان یافت. در این اجلاس که عبدالعلی زاده وزیر مسکن و «محمد علی المصراتی» وزیر دادگستری و امنیت عمومی لیبی ریاست هیأت‌های نمایندگی دو کشور را بر عهده داشتند در زمینه‌های مختلف اقتصادی از جمله عمران، کشاورزی، صنعت، بازرگانی، انرژی و حمل و نقل بحث و تبادل نظر شد و یادداشت‌های تفاهم و همکاری در امور تجاری، بانکی، سرمایه‌گذاری، فرهنگی، علمی، صنعتی، انرژی و تبلیغاتی به امضای طرفین رسید. در این اجلاس طرفین توافق کردند که کمیته پیگیری کمیسیون مشترک دو کشور به صورت دوره‌ای در تهران و طرابلس تشکیل

۱. اطلاعات عمومی لیبی، امور بین الملل اتاق بازرگانی، ۱۳۸۰، ص ۲۱.

۲. امیرشاهی، پیشین، ص ۸۸.

جلسه دهد و دهمین اجلاس این کمیسیون در اوایل بهمن ماه ۱۳۸۱ در طرابلس برگزار شود.^۱

به موجب اظهارات «سلیمان البارونی» رئیس اتحادیه اتاق‌های بازرگانی کشور لیبی، در آینده نزدیک خطوط هوایی دو کشور راه‌اندازی خواهد شد. گفتنی است که خطوط حمل و نقل دریایی پیش از این فعالیت خود را آغاز کرده است. همچنین هیأت بخش خصوصی ایران به سرپرستی «محسن کوهکن» رئیس اتاق بازرگانی ایران و لیبی به طرابلس سفر کرده و قرارداد همکاری میان بازرگانان دو کشور منعقد شده است.

آخرین وضعیت همکاری‌های صنعتی - بازرگانی ایران و لیبی^۲

۱. شرکت تراکتور سازی ایران: ۳۰۰۰ دستگاه تراکتور به ارزش تقریبی ۶۰ میلیون دلار به این کشور صادر کرده است. از مهم‌ترین موانع موجود بر سر راه این صادرات، نبودن خطوط کشتیرانی منظم از بنادر ایران به مقصد طرابلس است که ارسال محموله‌ها را با تأخیر مواجه کرده است. طرفین توافق کرده‌اند که شرکت ایرانی برای ساخت قطعات برقی تراکتور در شرکت تراکتورسازی لیبی، همکاری فنی و تکنولوژی به عمل آورد. همچنین برای ایجاد خط مونتاژ تراکتور، قراردادی به ارزش ۱۵۰ میلیون دلار منعقد شده است.

۲. ماشین‌سازی اراک: پیشنهادهایی برای همکاری در خصوص تولید و انتقال دانش فنی دیگ‌های بخار، میلگردهای فولادی، فروش و نصب دیگ بخار به طرف لیبی مطرح شده مطرح است.

۳. ماشین‌سازی تبریز: قرارداد راه‌اندازی خط ریخته‌گری در لیبی و فروش قطعات الکترونیک، قطعات یدکی و غیره منعقد شده است.

۴. شرکت هپکو: برای راه‌اندازی خط مونتاژ در لیبی و امکان همکاری در مورد صدور ماشین‌آلات راه‌سازی اعلام آمادگی کرده است.

۱. واحد مرکزی خبر، ۱۳۸۰/۱۱/۸.

۲. آخرین وضعیت همکاری‌های فنی مابین ایران و لیبی، دفتر امور بین‌الملل و صدور خدمات فنی وزارت مسکن و

شهرسازی، دی ماه ۱۳۸۰.

۵. شرکت احداث صنعت: در مورد احداث یک واحد تولید سیمان به ظرفیت ۳۲۰۰ تن در کارخانه سیمان زلطین لیبی توافقی صورت گرفته است.
۶. شرکت ایران خودرو: صدور اتوبوس و مینی بوس به ارزش ۱۶ میلیون دلار انجام گرفته است.
۷. شرکت موتوژن: در مورد فروش ۳۰,۰۰۰ دستگاه الکتروموتور اعلام آمادگی کرده است.
۸. صنایع پمپ سازی ایران: در مورد فروش انواع پمپ و موتور شناور و انتقال تکنولوژی تولید، اعلام آمادگی کرده است.
۹. شرکت سایپا: در مورد صدور خودرو و قطعات یدکی اعلام آمادگی کرده است.
۱۰. شرکت آذر آب: در مورد صدور خدمات فنی و مهندسی و اجرای پروژه اعلام آمادگی کرده و موضوع در حال پیگیری است.
۱۱. شرکت ملی فولاد ایران: در مورد همکاری در زمینه صنایع فولاد اعلام آمادگی کرده است.
۱۲. شرکت موتورسازان: در مورد صدور موتور و احداث خط مونتاژ موتورهای دیزل اقداماتی به عمل آمده و در حال پیگیری است.
۱۳. شرکت کمباین سازی ایران: در مورد صدور کمباین و تجهیزات کشاورزی اعلام آمادگی کرده است.
۱۴. شرکت راه آهن ایران: آمادگی خود را برای همکاری در خصوص احداث راه آهن، زیرسازی، تولید تراورس بتونی، تعمیرات لکوموتیو و غیره اعلام کرده است.
۱۵. شرکت صانیر: توافق شده است ۳۵۰۰ دستگاه ترانسفورماتور به ارزش ۶ میلیون یورو به این کشور ارسال شود. این موضوع براساس توافقات اولیه در حال پیگیری است.
۱۶. شرکت فارمیکو: در خصوص خدمات دارویی اعلام آمادگی کرده است.
۱۷. شیلات ایران: در مورد همکاری در زمینه امور شیلات اعلام آمادگی کرده است.

۱۸. وزارت کار: به منظور تبادل هیأت‌های کارشناسی و شرکت در کمیته کارشناسی برای تعیین اولویت‌های مورد نیاز طرف لیبایی و نیز برآورد و تأمین اعتبارات اجرای برنامه اعلام آمادگی شده که تاکنون از طرف مقابل پاسخی دریافت نشده است.

۱۹. شرکت کیسون: قرارداد احداث ۲۰۰۰ واحد مسکونی در شهر «سوکنه» در سال ۱۹۹۸ تهیه گردید و به امضای طرفین رسید. این موضوع در حال پیگیری است.

۲۰. شرکت قطعات فولادی ایران: در مورد احداث واحدهای مسکونی و انبوه‌سازی ساختمان (۲۰۰۰ واحد مسکونی) و احداث ۴۰۰۰ واحد مسکونی در حومه شهرسبها اعلام آمادگی کرده است که موضوع در حال پیگیری است.

۲۱. شرکت کشتیرانی ایران: ۱۵ میلیون دلار کالا به لیبی صادر کرده است.

۲۲. شرکت تولی پرس: ۱۲ میلیون دلار قرارداد فروش منعقد کرده است.

۲۳. تأسیس شرکت فنی مهندسی مشترک.

۲۴. شرکت ملی حفاری ایران سیمان کاری چاه‌های نفت لیبی را با انعقاد قراردادی به مبلغ ۴۰ میلیون دلار انجام داده است.

۲۵. شرکت ایجاد محیط: برای احداث ۱۲۰۰ واحد مسکونی در طرابلس قراردادی به مبلغ ۷۰ میلیون دلار منعقد شده است.

۲۶. موافقت مقامات بازرگانی لیبایی مبنی بر گشایش بازار کالاهای ایرانی با حق فروش در این کشور اخذ شده است.

پروژه‌هایی که بنا به ملاحظات سیاسی متوقف شده است

۱. پروژه احداث ۱۵۰۰ واحد مسکونی بنیاد مستضعفان به ارزش ۶۰ میلیون دلار در طرابلس؛

۲. پروژه احداث ۲۰۰۰ واحد مسکونی در شهر سوکنه توسط شرکت کیسون؛

۳. پروژه بازسازی کارخانه‌های قطعات پیش ساخته طرابلس و بنگازی توسط شرکت

اکیاتان؛

۴. پروژه‌های فاضلاب شهرهای خیزور، بنغازی، زاویه و غیره توسط شرکت ایجاد محیط؛
۵. پروژه احداث کارخانه درب و پنجره توسط شرکت نودر؛
۶. پروژه احداث کارخانه رنگ‌سازی توسط شرکت باژاک؛
۷. پروژه احداث کارخانه سیمان زلپین توسط شرکت احداث صنعت؛
۸. در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی پروژه‌های مهمی مانند راه آهن لیبی، و کارخانه‌های مصالح ساختمانی که ارزش آن‌ها بیش از یک میلیارد دلار است از طرف لیبیایی متوقف شده است؛
۹. پروژه احداث خط تولید کنتورهای الکترونیکی و انتقال تکنولوژی تولید به آن کشور توسط شرکت صنایر.^۱

برگزاری نمایشگاه

تاکنون ایران دو نمایشگاه اختصاصی همراه با فروش محصولات در لیبی برگزار کرده است: یکی در سال ۱۳۷۳ از سوی وزارت صنایع و دیگری در سال ۱۳۷۹ از سوی دفاتر بازرگانی خارجی در طرابلس. لیبی هیچ نمایشگاه اختصاصی در ایران نداشته است و دو کشور در نمایشگاه‌های بین‌المللی یکدیگر شرکت کرده‌اند.^۲

حجم مبادلات تجاری

ارزش صادرات و واردات غیرنفتی بین ایران و لیبی براساس آمار وزارت دارایی به شرح زیر است:^۳

۱. اطلاعات عمومی لیبی، پیشین، ص ۲۰.

۲. همان.

۳. همان.

سال	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹
موضوع					
صادرات (دلار)	۹,۶۶۹,۷۰۵	۴,۵۷۰,۴۶۹	۲,۱۶۱,۷۵۴	۱۴,۱۵۴,۱۴۳	۶,۰۹۰,۵۷۰
واردات (دلار)	۰	۰	۵۱,۶۱۲	۰	۰

دورنمای اقتصادی مشترک

۱. برگزاری نمایشگاه اختصاصی ایران در لیبی؛
۲. همکاری در زمینه صنایع کوچک و متوسط با لیبی نظیر مواد شوینده و پلاستیک؛
۳. صادرات ماشین آلات صنعتی و سرمایه گذاری مشترک؛
۴. فعالیت بخش خدمات فنی و مهندسی در زمینه برج سازی، هتل سازی و غیره؛
۵. توجه به پروژه های بزرگ لیبی از طریق ارائه دانش فنی و مشارکت در آنها؛
۶. افزایش حجم فعالیت های تجاری به خصوص از طرف بازرگانان ایرانی؛
۷. استمرار تماس ها و ارتباطات بازرگانان و صنعتگران دو کشور؛
۸. پیگیری موافقتنامه های سرمایه گذاری مشترک و حمایت از سرمایه گذاری؛
۹. لزوم ایجاد ارتباط با مناطق آزاد لیبی با توجه به تصویب قانون مناطق آزاد آن کشور و به علت موقعیت خاص و نزدیکی لیبی به اروپا و قاره آفریقا؛
۱۰. همکاری در زمینه معامله پایاپای صادرات ایران در مقابل واردات از لیبی که عمدتاً شامل تولیدات مجتمع ذوب آهن و فولاد مصراته است؛
۱۱. حضور مداوم نمایندگان شرکت های ایرانی در لیبی می تواند در موفقیت در فروش و عقد قرارداد بسیار مؤثر باشد؛
۱۲. افتتاح خط هوایی مستقیم میان دو کشور؛
۱۳. برقراری روابط مستقیم بانکی و تسهیل صدور ضمانت نامه ها؛
۱۴. تبادل هیأت های تجاری و سیاسی؛

۱۵. دعوت از بازرگانان و صنعتگران و مسئولان ذی‌ربط لیبیایی و فراهم آوردن تسهیلات لازم برای بازدید آنان از صنایع و امکانات تولیدی و بازرگانی کشور برای آشنایی با توانمندی‌های ایران.^۱

۵. موانع

الف) رپوده شدن امام موسی صدر

مسأله رپوده شدن امام موسی صدر از موضوعات مهمی است که هر از چند گاه روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همواره مانع بزرگی در راه بهبودی روابط دو کشور بوده است. در دهه اول انقلاب، این موضوع تحت تأثیر مسائل داخلی و جنگ تقریباً مسکوت گذاشته شد اگر چه در مقاطعی ایران از لیبی می‌خواست برای روشن شدن موضوع، همکاری کند. اما به نظر می‌رسد اخیراً پیگیری آن شدت بیش‌تری به خود گرفته و همین امر باعث موضع‌گیری منفی لیبی در برابر ایران شده است. خویشاوندی برخی از مقامات سیاسی یا بستگان آن‌ها با امام موسی صدر و کاهش اهمیت حمایت لیبی از ایران در مقایسه با سال‌های اول انقلاب و دوران جنگ تحمیلی از جمله دلایل این امر دانسته شده است. همچنین می‌توان تحت فشار قرار گرفتن ایران از سوی خانواده امام موسی صدر و شیعیان لبنان را از دیگر دلایل آن شمرد. این امر باعث شده تا سطح روابط سیاسی با لیبی تحت تأثیر قرار گیرد، به طوری که برای دعوت از قذافی برای شرکت در هشتمین کنفرانس سران اسلامی در تهران، معاون وزیر خارجه به لیبی اعزام شد، البته قذافی هم‌از حضور در این کنفرانس امتناع کرد. از آن زمان سطح روابط میان دو کشور کاهش یافته است.

ناپدید شدن امام موسی صدر در دو دهه اخیر بازتاب‌های وسیعی در لبنان و برخی کشورهای اسلامی داشته است. اما در چند سال اخیر، محافل سیاسی و مذهبی لبنان انتقادات گسترده‌ای از قذافی به عمل آورده و رسماً از دولت لیبی خواسته‌اند تا وضعیت وی را مشخص سازد؛ به طوری که در همایش سالانه «بررسی اندیشه‌های موسی صدر» که در آذر

ماه گذشته در لبنان برگزار شد سیدحسن نصرالله... دبیرکل حزب الله... لبنان برای نخستین بار به طور قاطع و آشکار دولت لیبی را مسئول ناپدید شدن امام موسی صدر معرفی کرد و خواستار اقدام فوری برای روشن شدن سرنوشت او شد. همچنین «نبیه بری» رئیس مجلس لبنان و رئیس جنبش امل نیز دولت لیبی را مسئول ناپدید شدن وی اعلام کرد. افزون بر این‌ها در خاتمه همایش تفاهم و گفتگوی تمدن‌ها که در آبان ۱۳۸۰ در بیروت برگزار شد با صدور بیانیه‌ای، دولت لیبی و شخص قذافی مسئول مستقیم ربوده شدن «صدر» معرفی شدند. «امین لحدود» رئیس جمهور لبنان نیز با توجه به درخواست‌های داخلی در این کشور، در حاشیه اجلاس سران عرب که در فروردین ماه ۱۳۸۰ در امان برگزار شد در دیدار با قذافی موافقت او را درباره تشکیل کمیته‌ای برای تحقیق پیرامون سرنوشت امام موسی صدر جلب کرد.^۱

با توجه به تشدید مخالفت‌های محافل رسمی و غیررسمی لبنان که خواهان مشخص شدن وضعیت «صدر» قبل از سفر قذافی به لبنان شده بودند، دولت لیبی تصمیم گرفت با برگزاری همایش سران عرب در فروردین ۱۳۸۱ در بیروت مخالفت کند اما با وساطت «عمر موسی» دبیرکل این اتحادیه وی از مخالفت خود صرفنظر کرد. قذافی چند روز قبل از برگزاری اجلاس با این استدلال که قطعنامه‌های اجلاس قبلی اجرا نشده است، از حضور در آن خودداری کرد و تنها وزیر خارجه خود را به این اجلاس فرستاد. محافل سیاسی علت اصلی عدم حضور وی را طرح اتهاماتی مبنی بر ربودن «موسی صدر» دانستند. محافل مزبور که دولت لیبی را مسئول ربوده شدن «موسی صدر» می‌دانند اعلام کردند قذافی باید زنده یا مرده امام موسی صدر را باخود به بیروت بیاورد تا حق شرکت در همایش سران عرب را داشته باشد. همچنین «صدرالدین صدر» پسر امام موسی صدر تقاضای «عمر موسی» دبیرکل اتحادیه عرب را در مورد عدم پیگیری سرنوشت پدرش رد و تأکید کرد که تردیدی درباره شریک جرم بودن قذافی ندارد. برای نخستین بار نیز روزنامه لبنانی «الدیار» در ۷ بهمن ۱۳۸۰ نوشت که «محمد الفیتوری» سفیر لیبی در بیروت چندی قبل به ربوده شدن «صدر» در

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از روزنامه النهار لبنان، ۱۳۸۰/۱/۹.

خاک آن کشور بدون اطلاع مقامات لیبی توسط گروه فلسطینی «ابونضال» اعتراف کرده است.^۱

پس از انقلاب با برقراری روابط دیپلماتیک بین ایران و لیبی، مقاله‌نامه‌ای بین طرفین منعقد شد که به موجب بند هفتم آن، دو کشور متعهد به ایجاد کمیسیون مشترکی برای پیگیری سرنوشت امام موسی صدر شدند. متعاقب آن، کمیسینی تشکیل و قرار شد برای پیگیری این موضوع، اعضای کمیسیون به لیبی سفر کنند. این کمیسیون از افراد مختلفی تشکیل شده بود و از جمله نماینده‌ای از دادستانی ایتالیا هم در آن شرکت داشت. اما زمانی که این هیأت برای رفتن به لیبی آماده شد دولت لیبی از پذیرفتن آن استنکاف کرد و دلیل این تصمیم را عضویت دکتر صادق طباطبایی (خواهرزاده امام موسی صدر و معاون نخست وزیر دولت موقت) در هیأت مذکور عنوان کرد. وی قبلاً اعلام کرده بود که موسی صدر به لیبی رفته و از آن جا هم خارج نشده و لذا مسئولیت ربوده شدن امام موسی صدر متوجه دولت لیبی است. با وجود کناره‌گیری آقای طباطبایی از این هیأت و جایگزینی آقای صدر حاج سید جوادی (وزیر دادگستری وقت) دولت لیبی اعضای هیأت را نپذیرفت.^۲

مسائل داخلی از جمله مبارزه با اقدامات مسلحانه گروه‌های ضد انقلاب و جنگ تحمیلی نیز باعث وقفه در پیگیری این موضوع شد. آیه‌... خامنه‌ای و حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری در سفری که به لیبی کردند صریحاً از قذافی خواستند در مورد ناپدید شدن امام موسی صدر اعلام نظر کنند؛ اما هر بار دولت لیبی از وضعیت امام موسی صدر اظهار بی‌اطلاعی کرد. آخرین اقدامی که در سال ۱۳۷۹ از سوی کشورمان صورت گرفت مذاکره نماینده رئیس جمهور با رهبر لیبی بود. اما پس از آن با وجود ادامه یافتن قضیه موسی صدر و پیگیری‌های مکرر از طرف ایران و لبنان، دولت لیبی هیچ‌گونه تمایلی به پیگیری این موضوع از خود نشان نداده و نتایجی به دست نیامده است.

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۱۰/۹.

۲. «امام موسی صدر و انقلاب اسلامی ایران»، گفتگو با صادق طباطبایی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۸/۶/۱۷.

ب) پرونده لاکربی

یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار بر کاهش سطح روابط دو کشور، پرونده لاکربی است. در تاریخ ۱۹۸۸/۱۲/۲۱ یک فروند هواپیمای بوئینگ ۷۴۷ پرواز شماره ۱۰۳ متعلق به شرکت هواپیمایی پان امریکن که از فرانکفورت عازم نیویورک بود برفراز شهر لاکربی اسکاتلند منفجر شد و کلیه سرنشینان آن کشته شدند. به دنبال تحقیقات انجام گرفته و دستگیری شخصی در کنگو، وی به همکاری با دولت لیبی اعتراف و اعلام کرد که انفجار هواپیمای بخشی از انتقام گسترده لیبی از حمله آمریکا به لیبی در ۱۹۸۶ است که در جریان آن محل اقامت قذافی ویران و دختر خوانده وی کشته شد. متعاقب این گزارش، دادگاه ایالت کلمبیای آمریکا در ۱۹۹۱/۱۱/۱۴ دو تبعه لیبیایی را متهم کرد که در حادثه لاکربی دست داشته‌اند و با ارسال یادداشت‌های جداگانه در نوامبر ۱۹۹۱ توسط سفارت ایتالیا به عنوان حافظ منافع انگلستان و سفارت بلژیک به عنوان حافظ منافع آمریکا در لیبی رسماً خواستار استرداد آن‌ها شد. در این یادداشت‌ها تصریح شده بود که دو تن از اتباع لیبی به نام‌های «امین خلیفه فهیم» و «عبدالباسط المقراحی» از اعضای سازمان اطلاعات لیبی، و به عنوان کارمند خطوط لیبی در مالت مشغول به کار بوده‌اند. آن‌ها چمدان حاوی بمب را از طریق هواپیمای از مالت به فرانکفورت منتقل کرده و آن را در هواپیمای پان امریکن که از فرانکفورت به سوی نیویورک در پرواز بوده جاسازی و هواپیمای را برفراز آسمان اسکاتلند منفجر کرده‌اند.

لیبی از سال ۱۹۸۲ با تحریم‌های آمریکا مواجه شد ولی در ۱۹۸۶ پس از حمله هواپیمای آمریکا به طرابلس و بنغازی با اجرای مجازات‌های تجاری، ابعاد این تحریم‌ها گسترده‌تر شد. در ۱۹۹۱ آمریکا اقدامات شدیدتری را بر ضد این کشور اتخاذ کرد و هرگونه معامله لیبی با دلار آمریکا را حتی با بانک‌های خارجی ممنوع کرد. لیبی در آوریل ۱۹۹۲ نیز با قطعنامه ۷۴۷ شورای امنیت و دیگر قطعنامه‌ها برای تسلیم دو متهم لیبیایی تحت فشار قرار گرفت.^۱

۱. امیرشاهی، پیشین، صص ۷۸-۷۶.

این دو متهم لیبیایی سرانجام تحویل دادگاه شدند. یکی از آن‌ها تبرئه و دیگری به حبس محکوم شد. یکی از شروط امریکا و اروپا برای بهبود روابط با لیبی پذیرش اتهام مزبور و پرداخت غرامت بود. لیبی هم موافقت کرد که ۶ میلیون دلار غرامت پرداخت کند و تلویحاً نیز پذیرش خود را با درخواست آن‌ها اعلام کرد. در پیگیری این موضوع توسط امریکا و انگلیس، لیبی به دفعات تصریح کرده که این کشور در این ماجرا دست نداشته است، اما در مواردی هم نشان داده است که علاقه دارد به نحوی پای ایران را نیز به میان کشد. در جریان تشکیل دادگاه دو لیبیایی متهم، شاهدانی اعلام کردند سقوط هواپیما به دستور «احمد جبرئیل» دبیر کل جبهه خلق برای آزادی فلسطین صورت گرفته که وی با گرفتن ۱۰ میلیون دلار از ایران دست به این کار زده است. همچنین در سال گذشته در جریان محاکمه دو متهم لیبیایی، قذافی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که شاید خانواده قربانیان هواپیمای ایرباس ایرانی در این کار دخالت کرده باشند. اما پس از یک هفته این گفته خود را تصحیح کرد و اعلام داشت که این عمل تروریستی نه کارتهران بوده است و نه کار گروه‌های فلسطینی. گاه نیز لیبیایی‌ها موضع‌گیری مبهمی کرده و گفته‌اند مدارکی ارائه خواهند کرد که در آن پای کشور ثالثی مطرح خواهد شد. نگرانی ایران این بود که مبادا لیبی برای فرار خود از این اتهام، پای ایران را به این ماجرا بکشانند.^۱

ج) نظرات «معمر قذافی» در مورد اسلام

قذافی سلطان «ادریس» را که قدرتش از مشروعیت دینی آیین سنوسی نشأت می‌گرفت سرنگون کرد. این آیین توسط یک فعال سیاسی الجزایری به نام «محمد بن علی السنوسی» در اواخر قرن ۱۹ پایه‌گذاری شد و هدفش خالص کردن اسلام بود. پس از روی کار آمدن قذافی، وی اصلاحاتی را در این آیین به وجود آورد. شعار وی در «کتاب سبز»، آمال و آرزوهای پان عربیسم و همچنین سیاست توزیع عادلانه ثروت اقتصادی از طریق ملی کردن بسیاری از صنایع داخلی و تقسیم مالکیت خصوصی اراضی از جمله زمین‌های اوقاف است.

۱. واحد مرکزی خبر، به نقل از رادیو آزادی، ۱۳۸۰/۱۱/۹.

به عقیده وی تلاش برای ایجاد دولتی مطابق با اصل یاد شده بدون از میان برداشتن منبع قدرتمند مخالف، یعنی پایگاه روحانیت به نتیجه‌ای نمی‌رسد. پس از اعلام مواضع قذافی، روحانیون این کشور ملی کردن را به عنوان اقدامی مغایر با مالکیت خصوصی به باد انتقاد گرفتند. در پی اعلام مغایرت کتاب سبز با فقه اسلامی از سوی روحانیون رویارویی مضاعف آنان با دولت آغاز شد. نظرات قذافی پس از کودتای ۱۹۷۳ حول محورهای سوسیالیسم، دموکراسی مردمی، وحدت اعراب و اسلام پیشرو دور می‌زد. در این زمان روحانیون به عنوان عوامل اسلام ارتجاعی مورد حمله قذافی قرار گرفتند. مردم‌گرایی قذافی وجه مذهبی‌را مورد حمله قرار می‌دهد، به طوری که کمیته‌های دولتی به منظور کنترل مساجد و حذف نفوذ روحانیون همدست شده‌اند.^۱

حکومت لیبی به‌رغم داشتن شالوده‌های اولیه اسلامی، اکنون دارای نوعی ایدئولوژی سیاسی سکولار است. در سال ۱۹۷۸ قذافی اعلام کرد که سنت و احادیث نبوی به خاطر شبهات وارد شده از حجیت ساقط است. این نظریه رسمی در سکولار کردن قدرت سیاسی بسیار مؤثر بود به گونه‌ای که در این کشور مبدأ تاریخ از زمان هجرت به زمان ارتحال حضرت رسول (ص) تغییر یافته است. در مجموع بنا به اعتقاد قذافی، اسلام اصیل در لیبی - و نه در جای دیگر - عرضه خواهد شد. اقبال قذافی به امام خمینی نیز به خاطر شعارهای ضد غربی وی بوده است.^۲

در مجموع تأکید اصلی قذافی بر پان‌عریسم است. وی اسلام را ابزاری برای اجرای منویات خود می‌داند، زیرا در جامعه لیبی که ۹۷ درصد مردم را مسلمانان تشکیل می‌دهند، مبارزه با عقاید دینی مردم نوعی انتحار سیاسی محسوب می‌شود. قذافی می‌گوید: «ما بخشی از خلق عرب هستیم و آرزو می‌کنیم که این خلق متحد شود و وحدتی عربی تحقق یابد.»^۳

۱. "قذافی و چالش اسلام انقلابی در لیبی"، ترجمه غلامرضا عباسیان، روزنامه سلام، ۱۳۷۷/۱۲/۲۵.

۲. اصغر افتخاری، "تأثیرات انقلاب اسلامی در گستره جهانی"، نامه پژوهش، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، ص ۲۳۶.

۳. "قذافی نسخه تصحیح شده"، مصاحبه الحیات با رئیس‌جمهور لیبی، ترجمه محمدعلی عسگری، روزنامه خرداد، ۱۳۷۸/۷/۴.

د) تجانس اقتصاد دو کشور

از آنجا که ایران و لیبی هر دو از جمله صادرکنندگان نفت و گاز هستند و درآمد اصلی آن‌ها وابسته به صادرات این دو محصول است لذا همگونی تولید در محصولی خاص، در کنار توسعه نیافتگی صنایع دو کشور و دسترسی آسان و کم هزینه لیبی به تولیدات کشورهای اروپایی مزید بر علت شده تا سطح مناسبات اقتصادی تهران و طرابلس از رشد مطلوبی برخوردار نباشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روابط سیاسی ایران و لیبی از بدو انقلاب تاکنون افت و خیزهایی داشته و به تبع آن مناسبات اقتصادی آنها نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. از جمله مسائل عمده تأثیرگذار بر روابط دو کشور دیدگاه‌های قذافی، مسأله لاکربی و مهم‌تر از همه، ناپدید شدن امام موسی صدر بوده است.^۱

بررسی روابط دو کشور نشان می‌دهد که در دهه اول انقلاب، مناسبات دو کشور بهتر از دهه دوم و سوم بوده است. در دهه اول مسائلی مانند مخاصمه ایران با امریکا و اسرائیل در ابعاد گسترده، نیز جنگ ایران و عراق باعث نزدیکی دیدگاه‌های دو کشور شده بود و مسائل حاشیه‌ای کم‌تر مورد توجه قرار می‌گرفت. اما پایان جنگ تحمیلی، آغاز سیاست تنش‌زدایی و گسترش روابط با اروپا و کشورهای عربی باعث شد که ایران تا حدودی از این کشور فاصله بگیرد. لیبی هم مانند ایران، برای تبرئه ساختن خود از اتهام تروریسم و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی با اروپا و امریکا، به حداقل روابط با ایران قناعت کرد. اما آنچه موجب شده است روابط ایران و لیبی در سطح نازلی استمرار پیدا کند علاقه‌مندی مجدد دولت ایران به سرنوشت امام موسی صدر و تکدر خاطر لیبیایی‌ها از این مسئله بوده است.

۱. قرارداد فروش سلاح ساخت ایران به لیبی به دلیل موضوع امام موسی صدر به حالت تعلیق درآمده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از الشرق الاوسط، ۱۳۸۰/۱۲/۶.

مستولان سیاسی لیبی در اظهارات خود همواره تأکید کرده‌اند که به ایران اعتماد بیش‌تری نسبت به دیگر کشورها دارند و برای روابط با تهران اهمیت زیادی قائل هستند. «المصراتی» وزیر دادگستری و امنیت ملی لیبی در دیدار با رئیس‌جمهور، «روابط دو کشور را تاریخی و ممتاز خواند و خواستار تعمیق، تداوم و تحکیم همکاری‌ها در کلیه زمینه‌ها با ایران شد.»^۱

لیبایی‌ها در روابط خود با ایران اهداف سیاسی را در اولویت قرار داده‌اند. لیبی در مناسبات اقتصادی خود با ایران تاکنون نفع چندانی به دست نیاورده است. در مجموع ایران منافع قابل توجهی از طریق مناسبات اقتصادی کسب کرده و می‌تواند آن را گسترش دهد. بررسی میزان صادرات، واردات و فعالیت بنگاه‌های خصوصی و دولتی دو کشور مؤید این ادعا است.

با توجه به فروکش کردن موضوع لاکربی، مهم‌ترین معضل و مشکل کنونی در روابط ایران و لیبی مسأله امام موسی صدر و نیز دیدگاه‌های قذافی است. اما این‌ها از منظر روابط خارجی مسائلی مقطعی، داخلی و غیر استراتژیک تلقی می‌شوند. در تعیین سطح روابط با لیبی باید به ظرفیت‌ها و زمینه‌های همکاری گسترده اقتصادی بین دو کشور، برخورداری لیبی از منابع عظیم ثروت، بازار مناسب لیبی برای صادرات و سرمایه‌گذاری کلان، نیاز این کشور به نیروی کار متخصص و مهم‌تر از همه علاقه‌مندی مستولان این کشور به دادن امتیازات اقتصادی به ایران توجه داشت. منافع استراتژیک و کلان ملی نباید تحت تأثیر برخی مسائل شخصی و غیر استراتژیک قرار گیرد. ایران می‌تواند ضمن در نظر گرفتن کلیه ملاحظات انسانی و سیاسی، مشکلات مزبور را در اولویت قرار ندهد و برای توسعه روابط اقتصادی و کسب منافع ملی اولویت قایل گردد.

منابع و مأخذ:

۱. "آخرین وضعیت همکاری‌های فی مابین ایران و لیبی"، دفتر امور بین الملل و صدور خدمات.
۲. "ارزیابی سیاست آفریقایی اسرائیل"، تهران: مؤسسه مطالعاتی و پژوهشی کارا پژوهش سبز، بی تا.
۳. افتخاری، اصغر؛ "تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در گستره جهان"، نامه پژوهش، سال سوم، شماره ۱۰ و ۱۱، پاییز وزمستان ۱۳۷۷.
۴. امام موسی صدر و انقلاب اسلامی ایران، گفتگو با صادق طباطبایی، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۸/۶/۱۷.
۵. "اقتصاد لیبی ۳۰ سال پس از کودتای قذافی"، روزنامه اخبار اقتصادی، ۱۳۷۸/۶/۲۱.
۶. امیرشاهی، ذوالفقار؛ کتاب سبز، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۷.
۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی در تاریخ‌های ۱۳۸۰/۶/۱۰، ۱۳۷۹/۹/۱۳، ۱۳۷۹/۹/۸، ۱۳۷۹/۱/۹، ۱۳۸۰/۱/۹ و ۱۳۸۰/۱۰/۹.
۸. "قذافی و چالش اسلام انقلابی در لیبی"، ترجمه غلامرضا عباسیان، روزنامه سلام، ۱۳۷۷/۱۲/۲۵.
۹. "قذافی نسخه تصحیح شده، مصاحبه الحیات با رئیس جمهور لیبی"، ترجمه محمدعلی عسگری، روزنامه خرداد، ۱۳۷۸/۷/۴.
۱۰. "لیبی، امپراطور سرمایه‌گذاری خارجی"، ترجمان اقتصادی، شماره ۱۵، ۱۳۷۸/۹/۳.
۱۱. واحد مرکزی خبر در تاریخ‌های ۱۳۸۰/۱۱/۹ و ۱۳۸۰/۱۱/۸.
۱۲. مهندسی وزارت مسکن و شهرسازی، دی ماه ۱۳۸۰.

13. Cordesman, Anthony, "Iran's Military Forces in Transition", London: Library of Congress Cataloging in Publication, 1999.